

ملاکین فئودال دشمن عمده طبقاتی خلق افغانستان



به منظور اینکه توده های عظیم خلق منحرف نگردد و در جنبش دموکراتیک و ملی کشور به سوی هدف غائی به پیروزی های شگوفان دست یابیم، باید توجه خود را به شناخت دشمن عمده خلق معطوف سازیم.

از آنجا که «مبارزه طبقاتی سرچشمه تکامل جامعه است»، برای تعیین جهت صحیح و اصلی مبارزه باید در نظر داشت که در هر جامعه طبقاتی اصلی و طبقات فرعی وجود دارند. طبقات اصلی در کشور ما که با شیوه تسلط تولید در ارتباط اند عبارتند از طبقات متخاصم دهقانان و ملاکین ارضی (فئودالها).

در افغانستان اساسی را با مبارزه علیه فئودالیسم و سرمایه داری بر زمین و سایر تولید و وسیله تولید و قبل از هر چیز بر زمین و همچنین تسلط کامل بر دهقانان تشکیل میدهد.

تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضلی

به عبارت ساده تر: مناسبات مسلط تولید در کشور، استثمار دهقانان از جانب ملاکین فئودال است. درست است که از یک سو شکل فئودالیزم در کشور ما با اشکال خاص فئودالیزم قرون وسطائی اروپای باختری و دیگر کشورها متفاوت است و همچنان در چند دهه اخیر فئودالیزم بنا به تغییرات نسبی در وسایل تولید (جاده ها، بندها، کانال ها، فابریکات . . . و غیره) و ظهور مناسبات سرمایه داری در شهر ها، رو به زوال است، معهذاتا کنون در نقاط مختلف کشور مناسبات فئودالی و . . . آن (و همچنان مناسبات قبیله وی) تسلط دارد و تضاد عمده داخلی در جامعه ما میان توده های عظیم دهقانان و ملاکان ارضی (با ارتباط تضاد اساسی خلق ما به امپریالیزم) پا بر جاست.

باید خاطرنشان ساخت که در زندگی اجتماعی تشخیص تضاد عمده یا اصلی اهمیت بسیار کسب میکند. یافتن تضاد اصلی به طبقات و به نیروهای ترقیخواه امکان میدهد که سیاست درستی در مبارزه برای خود تعیین نمایند و جنبش را به جهت پیروزی رهبری کنند.

در زندگی اجتماعی کشور ما دهقانان یکی از نیروهای محرک عمده نابودی فئودالیزم در جنبش دموکراتیک و ملی کشور بشمار میروند و مبارزه طبقاتی روز تا روز در بین دهقانان و مالک زمین اشکال جدی تر بخود میگیرد. در افغانستان دهقانان و فئودال ها به مثابه طبقات متخاصم اصلی وارد صحنه مبارزه اند و زحمتکشانش شهر به خصوص کارگران ماشین (به حیث پیشرو ترین نیروی مبارزه) و پیشه وران و دیگر نیروهای دموکراتیک در اتحاد با دهقانان قرار میگیرند.

در افغانستان طبقه ملاکین فئودال باتحاد تجار بزرگ دلال و بیروکراتها به حیث طبقه حاکمه از لحاظ ماهوی با امپریالیزم وابسته اند که نماینده عقب افتاده ترین و ارتجاعی ترین مناسبات تولیدی در افغانستان میباشد و از رشد نیروهای مولده جلوگیری میکنند. طبقه مالکین بزرگ ارضی و متحدین وی دشمنان عمده خلق اند که به هیچ وجه با هدف های جنبش و تغییرات سریع کیفی و بنیادی افغانستان توافق نمیکنند و گروه ضد جنبش دموکراتیک و ملی، و ارتجاعی دست راستی افراطی را در کشور تشکیل میدهند. نمایندگان سیاسی این طبقات حاکمه در دولت و محافل حاکمه سیاسی کشور فراوان اند و هم اکنون این گروهها برای حفظ منافع طبقاتی خود شعوری متشکل میشوند و در تلاش ایجاد سازمان های سیاسی (احزاب) به خصوص خود میباشند.

وضع مالکیت ارضی در دهات افغانستان:

طبق احصائیه های تخمینی در دهات افغانستان مالکین سی فیصد نفوس دهات را تشکیل میدهند که از آن جمله: (۱) ملاکین بزرگ فئودال دو فیصد که ۴۰ فیصد زمین را مالک اند. (۲) مالکین متوسط مرفه الحال ۸ فیصد که ۳۰ فیصد زمین را در دست دارند. (۳) مالکین کوچک ۲۰ فیصد نفوس که مالک ۲۰ فیصد زمین اند.

در کشور ما مالکیت فئودال ها بر زمین به اشکال ذیل دیده میشود: مالکیت فئودالهای اصلی و استیلاء گر، مالکیت روحانیون بزرگ، مالکیت اشراف و صاحبان حسب و نصب، مالکیت ماموران رشوه خوار فوق العاده قرون وسطایی کشت کنند و عوارض غیر مستقیم و مستقیم (اخذ سورسات)، عوارض اربابی و غیره . . . پردازند و انواع کار های بیگاری را برای مالک انجام بدهند.

در حقیقت دهقانان فقیر و اجاره دار و کشتمند و کارگران مزدور زراعتی با تمام اعضای خانواده خویش ظاهراً آزاد ولی مانند «سرف» عملاً وابسته به زمین استند.

- قروض دایمی و سود فاحش و سلم کمر شکن، اکثریت دهقانان را در قید اسارت ملاکان و سود خوران درآورده است. وجود سود ظالمانه در دهات کشور که سالیان دراز دهقان قادر به پرداخت آن نمیشود و به مرور زمان افزود میگردد حتی خانواده های دهاقین را عملاً به بردگی سوق میدهد.
- شیوه استبداد سیاه شرقی محافل حاکمه سیاسی کشور و دستگاه اداری فاسد دولت که بر مبنای مناسبات اقتصادی و اجتماعی فئودالی استوار میباشد، طوری ستم گرانه در جریان است که همیشه دهقانان را دستخوش هوی و هوس ماموران و افسران محلی حکومت، قضات، پلیس و ژاندارم که معمولاً در خدمت ملاکین بزرگ و متنفذان محلی (سردار ها، خوانین، ارباب ها، روحانیون بزرگ، بایها، ملک ها، میر ها، بیگ ها، آفسقالها . . . و غیره) استند، قرار میدهد.
- یکی دیگر از اشکال استثمار فئودالی همانا عبارت از استثمار تاجران بزرگ دلال وابسته به امپریالیزم است که از راه خرید و فروش و صدور محصولات زراعتی کشور سود های فراوان بدست می آورند.

تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضلی

در همین شیوه استثمار است که استثمار امپریالیستی از طریق کمپرادور های داخلی مطرح بحث قرار میگیرد.

موجز اینکه در اثر این همه استثمار شدید و بی رحمانه، توده های عظیم دهقانان افغانستان در فقر و فاقه بیکران بسر میبرند.

نتایج تسلط مناسبات فئودالی در افغانستان عبارت است از: کسر مزمن تولیدات زراعتی و قلت غله، عدم رشد سریع نیروهای تولیدی که محرک ترین و انقلابی ترین جزو تولید است، عدم رشد صنایع ملی، عقب ماندگی تکنیک زراعتی، فقر، آوارگی جهل و بیماری اکثریت عظیم دهقانان کشور، سیر صعودی سرسام آور قیمت ها، عدم استقرار بازار مواد زراعتی . . . و غیره.

مسلم است که تا مناسبات و روابط فئودالی در کشور مسلط باشد و هرچه زودتر اصلاحات عمیق اساسی و دموکراتیک خلق) به شرکت همه دهقانان و به نفع دهقانان اجرا نگردد و تجارت خارجی ملی نشود (در پهلوی دیگر تحولات بنیادی اجتماعی . . .) نا ممکن است که: زمینه رشد سریع اقتصادی و تامین استقلال اقتصادی را تهیه دید کشور را صنعتی ساخته، نفوذ استثمار نوین و امپریالیزم و تسلط هواداران ارتجاعی داخلی آنرا طرد کرد و دموکراسی را در کشور تحقق بخشید، ترقی اجتماعی را تامین کرد و به فقر مردم خاتمه داد.

«پایه های فئودالی میتواند فقط تحت فشار جنبش دموکراتیک تمام خلق منهدم شود. فقط اصلاحات عمیق ارضی و جنبش وسیع دهقانی میتواند بقیای رژیم قرون وسطائی را که سد راه ترقی نیروهای مولده استند در هم نوردد»

ما معتقدیم که در آخرین تحلیل تنها نیروی خلق بر مبنای اتحاد طبقه کارگر و دهقانان به پیشروی و رهبری طبقه کارگر و سازمان پیش آهنگ سیاسی آن قادر است که مناسبات اقتصاد فئودالی و نفوذ سیاسی آنرا بر اندازد. و دهقانانی را که بالای زمین کار میکنند صاحب زمین گرداند و تغییرات کیفی و بنیادی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در جامعه بوجود آورد.

از آنچه در بالا بصورت مقدماتی توضیح شد نتیجه گرفته میشود که ملاکین فئودال به اتحاد تاجران بزرگ دلال و بیروکراتها (و همچنان آن قشر روشنفکران که مدافع این طبقات اند) که شعوری یا غیر شعوری با امپریالیزم وابسته اند، دشمنان عمده خلق و مانع عمده استحکام استقلال ملی، تعمیم

تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضلی

دموکراسی در حیات اجتماعی، ترقی اجتماعی و پیشرفت جامعه افغانستان در این مرحله تاریخی جنبش دموکراتیک و ملی اند.

یادداشت:

چون تا کنون در زمینه مناسبات و روابط و سایر خصوصیات نظام فیودالی در جامعه نامنکشف ما تحقیقات و مطالعات علمی و عمیقی صورت نگرفته و احصائیه ها و ارقام دقیق و مطمئن وجود ندارد، لذا تحقیقات ما درباره مناسبات فیودالی افغانستان روی کلیات و احصائیه های تخمینی استوار است.

بنا بر آن از تمام رفقا، دوستان، و هموطنان ارجمند خواهش میکنیم در هر کجای کشور که استند تحقیقات، انتقادات، معلومات، نظریات خویش را درباره خصوصیات و اشکال استثمار و ستم نظام فیودالی، ما قبل فیودالی و قبیلوی افغانستان به ما ارسال دارند.

(ببرک کارمل)

www.esalat.org